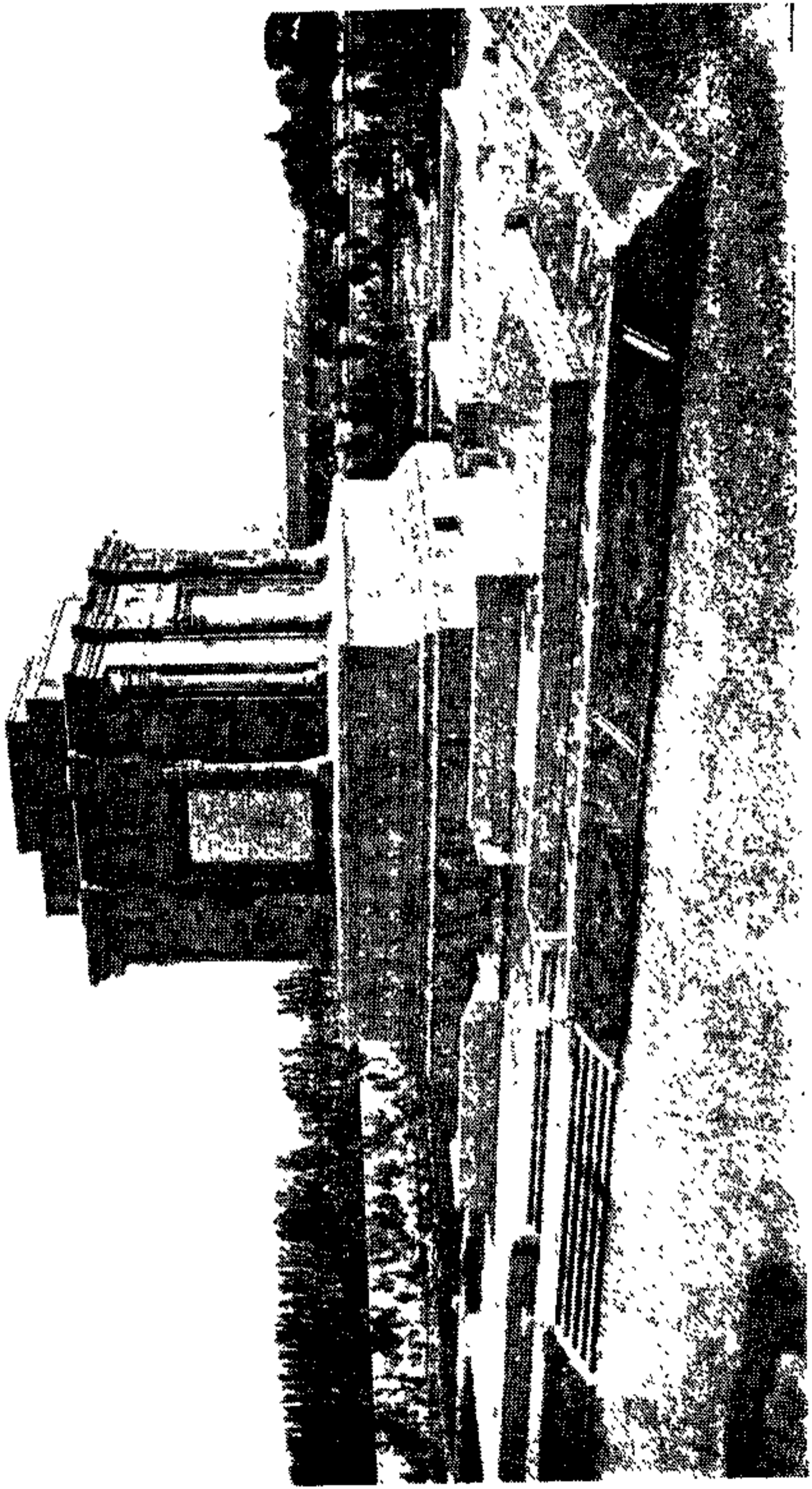


- ۶- اشعاری که شامل نصایح رزمی باشد از **شاهنامه** انتخاب و در استراحتگاه افراد نظامی نصب گردد ضمناً افراد را بحفظ نمودن آنها وادار کنند .
- ۷- تدریس همین کتاب (که از لحاظ نظامی مختصر شده **شاهنامه** میباشد) در دیرستانها، که باینوسیله افراد نجیب و غیرتمند ایران تا موقع دخول بخدمت مقدس سربازی از روحیه لازمه جهت خدمت نظامی بهره کافی بدست آورده این وظیفه پر افتخار را با سرشاری تمام استقبال نمایند .
- ۸- بوسیله نقاشان ماهر تابلوهای مختلف مناسب از داستانهای **شاهنامه** ایجاد و بعوض کارت پستالهای رایج فعلی در دسترس عموم قرار دهند .
- ۹- نظر بتأثیر فوق العاده کلام **فردوسی**، مقرر گردد در موقع ساختن سرودهای ملی و نظامی **بشاهنامه** مراجعه و از اشعار آن استفاده نمایند ضمناً بسرودی که در پایان همین کتاب درج و از **شاهنامه** استخراج گردیده است رسمیت داده شود .
- در خانمه با درود بر روان پاک **سپهبد فردوسی طوسی** گفتار خود را در این جلد با اشعار همان بزرگوار (که بمنظور مخاطب ساختن او مختصر تحریفی در آنها بعمل آمده است) ختم نموده توفیق در انجام مجلدات بعدی همین کتاب را آرزو مینمایم :

عجم زنده کردی بدین پارسی	بسی رنج بردی در آن سالسی
ازین یش تخم سخن کس نکشت	جهان کرده از سخن چون بهشت
که از باد و باران نیابد گزند	پی افکندی از نظم کاخی بلند
سخن جمله در شبوه کارزار	ز ایات غرا دوره ، سی هزار
ز گردان جنگی ، سه رزم و لاف	ز مردان نامی بروز مصاف
شد از گفت تو نامشان زنده باز	همه مرده از روزگار دراز
نماید همیشه به تو آفرین	هر آنکس که داردش و رای و دین
خرد پیش جان تو جوشن گنادر	روان تو دارنده و دشمن گنادر
که تخم سخن را پراکنده ای	بیری بگیتی که تو زنده ای





# فرهنگ نام‌پا‌تیکه در این کتاب پیدا میشود

( اشخاص - سلسله‌ها - ممالک - شهرها - نقاط طبیعی )

بمرات صفحاتی که اسامی مذکوره در آنها مندرج است پس از شرح هر يك در زیر آن نگاشته میشود

روئیس‌تس پسر گشتاسب در همان روئیس‌دژ کشته شد ، ۳۳، ۷۰، ۱۶۳، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۷، ۱۹۸،

**اروپا :** کوچکترین قطعه از قطعات پنجگانه عالم است که از طرف شمال باقیابوس محمد شمالی و از طرف مغرب باقیابوس اطلس و از طرف جنوب به بحر مدیترانه و از طرف مشرق تا آسیا محدود میباشد . جمعیت آن از آسیا کمتر و از سایر قطعات بیشتر است ( ۶۲ میلیون نفوس ) تمرکز بیشتر جمعیت در اروپای غربی و مرکزی و جنوب غربی است ( اروپای شمالی و شرقی جمعیت بسیاری ندارد ) اروپائیان وارث تمدن ملل قدیم آسمانی و مؤسس تمدن جدید دنیا بشمار میروند . نژاد آنان سفید پوست و عالماً پیر و مذهب مسح (ع) ( کاتولیک ، پروتستان و ارتدکس میباشد ) ۱۰، ۱۶، ۶۲، ۴۳

**اخوانست :** یکی از سرداران تورانی که در جنگ دوازده رح بدست رنگه شاوران کشته

**اسپنوی :** نام کبیرك تراوداماد افراسیاب است که گویند سوار حمبله بوده و چون تراوداماد گریخت تصرف بیژن در آمد ، ۱۳۳ .  
**اسفندیار ( اسپندیار )** نام پسر گشتاسب بوده که او را روئیس‌تس می گفتند که پسر پندش کارگر بود ولی عاقبت در جنگ نارسا اسطه اصابت نیز بر چشمش کور و معتول گردید .

عمور اسفندیار از هفتخوان توران زمین و علیه بردشمان آن راه از شاهکارهای جنگی او است ۳۶، ۴۰، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴

**اردشیر :** پسر ناک سرساسة شهریاران ساسانی است . این پادشاه ناردوان چهارم ( آخرین پادشاه اشکانی ) حکمید و در سنه ۲۲۶ میلادی او را کشته و دولت اشکانی را منقرض ساخته دولت عظیمی تشکیل داد که مایه عظمت و افتخار ایرانیان و بطور دولت هخامنشی است . در مدت سلطنت ۱۵ ساله خود ترویج دیان برداشتی پرداخته آداب و رسوم ایرانی را که در دوره اشکانی متروک شده بود رونق تازه بخشد . پایتخت او آنتاد شهر استخر فارس و بعد سسوم ( کنار دجانه ) بود . ناردومان حکمیده امپراطور روم را شکست داده برارمستان مستولی گردید ، ۵۸، ۱۲۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۲۴۳

**ارژنگ :** نام یکی از هماررین تورانی است که در جنگ با ایرانیان بدست طوس مغلوب گردید ، ۲۴۶، ۲۴۷

**آرش :** بهاوان ایرانی و در لشکر موجهر بوده که در صفت پیرانداری عدیل و بطیر نداشته است ، ۵۴

**آرشیدوک شارل :** ( ۱۷۷۱-۱۸۴۷ م ) سومین فرزند لئوپولد دوم و یکی از بهترین سرداران قشون اطریش است و در جنگ‌هاشکه بر علیه جمهوری و امپراطوری فرانسه گردید شرکب داشته ولی در روریج ووا گرام بوسیله ماسا از پائلون شکست یافت ، ۳۶، ۶۰

**ارجاسب :** سره افراساب است که در روئیس‌دژ مسکن داشت . چندین پسر گشتاسب را در جنگ کشته بود . همچنین لهراسب پدر گشتاسب را که ترك پادشاهی کرده و در بلخ معابد مشغول بود قتل در آورد ولی عاقبت بدست اسفندیار

۱۹۰، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۳۵، ۲۶۲، ۲۶۴  
۰ ۲۶۵

**(اسکندر : ۲۵۶ - ۳۲۳ قم)**

تولد وفات

پادشاه مقدونیه پسر فیلیپ در نتیجه جنگهای متعدد تمام ممالک مسقیه و مصر و اهل و ایران را مسح نمود و هندوستان حمله برد و پادشاه یوروس Pous را مغلوب کرد و درسی و سه سالگی در بابل مرد .  
حسارانی که ایران وارد کرد ( آتش ردن کتاجاده بر رگن ایران و حریق مارگناه اعطمت هخامنشیان ) از اعمال سیئه او است که نژاد ایرانی را تا اندک و او کینه ور نگاد میدارد ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ .  
**اشکانیان :** در سنه ۴۲۹ قبل از میلاد رئیس طایفه یارت موسوم به اشک دعوی استقلال کرد و حاکمان او سلاطین اشکانی معروف شدند .

این سلسله کم کم دست پادشاهان سلوکی را از ایران کوتاه کردند و دولت بر رگی تشکیل دادند .

پایتخت آنها ابتدا شهر صد دروازه ( بردیک دامغان ) بود بعد به تیسفون در کنار دجله منتقل گردید . این سلسله قریب پانصد سال در ایران فرما روایی کردند . نصف این مدت را صرف علمه بر سلوکیها نمودند و نصف دیگر را در جنگ مالدولت روم گذراندند ، ۲۷۸

**اشکبوس :** نام مبارز کتانی که بمدد افراسیاب آمده بود و افراسیاب او را بیاری پسران و پسه فرستاد ولی بدست رستم که پیاده با او جنگید دایک تیر مقتول گردید ، ۴۵ ، ۴۶ ، ۲۱۱ .

**اشکشی :** یکی از سرداران بر رگن ایران که در زمان کبچسرو از طرف آن پادشاه برای مقاله ناشیده پسر افراسیاب حواریم مامور گردید ۱۲۲ ، ۲۱۸ ، ۲۲۵ ، ۲۳۱ .

**افراسیاب :** پادشاه توران - بسوی به تور پسر فریدون میرسد . چندین مرتبه نامموجهر پادشاه ایران جنگیده و دامنه این تراغ تارمان کبچسرو کشیده شد و عاقبت بدست این پادشاه مغلوب و

مقتول گردید ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۳۹ ، ۵۲ ، ۵۳ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۶۶ ، ۷۰ ، ۷۶ ، ۹۴ ، ۱۱۳ ، ۱۱۸ ، ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۲۳ ، ۱۲۶ ، ۱۲۷ ، ۱۳۰ ، ۱۳۱ ، ۱۳۲ ، ۱۴۹ ، ۱۵۰ ، ۱۹۹ ، ۲۰۲ ، ۲۰۳ ، ۲۱۸ ، ۲۱۹ ، ۲۲۱ ، ۲۲۳ ، ۲۳۲ ، ۲۳۵ ، ۲۳۶ ، ۲۶۰ ، ۲۶۱ ، ۲۶۲ ، ۲۶۶ ، ۲۶۸ ، ۲۶۹ ، ۲۷۰ ، ۲۷۱ ، ۲۷۲ ، ۲۷۶ .

**اکوان :** نام دیوی بوده است که رستم را بدربار انداخت و بالاخره هم بدست رستم کشته شد . ( مردوسی او را بران پهلوی گوان خوانده است ) ۱۶ .

**الانان :** نام ولایتی است از ترکستان که آنرا ازان والان میر گویند ، ۱۲۲ .

**آلمان :** یکی از ممالک اروپای عربی که قسمت شمال آن مسطح و جلگه و قسمت جنوب آن مرتفع و کوهستانی

آب و هوای آن بواسطه دوری از اقیانوس اطلس باعتدال آب و هوای انگلس و فرانسه بیست . تا احتتام جنگ بین المللی حکومت آن امپراطوری و پس از جنگ جمهوری شد ، ۷ ، ۱۰ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۸ ، ۲۰ ، ۲۰۹ .

**آهون :** رودی است که در میان حواریم گذرد و میان حراسان و ترکستان واقعست ، ۵۴ .  
**آموی :** نام شهر بیست بر کنار حیجون و حیجون منسوب بان شهر است ، ۲۶۲ .

**اندرز نامه :** شامل تصاح گرامرهاست که ساردش منسوب و آنس جهانداری و رعیت پروری در آن مندرج است ، ۲۵۳ .

**اندریهان :** نام یکی از باران تورانیست که در جنگ دوازده رح به دست گرگس میلاد کشته شد ، ۷۰ ، ۱۱۰ ، ۱۹۱ .

**اندلس :** نام ناحیه ایست در اسپانیا و قریب هفتصد سال در تصرف مسلمین بوده و یکی از مراکز مهم تمدن اسلامی بوده است . قصر الحمراء که یکی از بهترین آثار این تمدن است هنوز در شهر قرناطه اسپانیا بریاست ، ۵۷ .



پیران ویسه جنگ گودرز آمده بود ، ۷۰۰ .  
**بغداد :** اصل این کلمه **باغ داد** بوده است  
سب آنکه هر هفته یکبار حسرو ابوشیروان در  
آن باغ نارعام دادی و داد رسی مطلوبان کردی  
و بکثرت استعمال بغداد شده است این شهر در  
بردیگی مدائن واقع گردیده است ، ۲۲۶ .

**بلخ :** نام شهری است از شهر های قدیم  
خراسان که آبراقه الاسلام خوانند و گویند اصل  
برامکه از آنجا بوده است ، ۱۶۳ ، ۲۴۱ .

### **بناپارت (۱۷۶۹ - ۱۸۲۱)**

(نابلیون اول) Napoleon Bonaparte  
امپراطور و سردار معروف فرانسه . در  
ابتدای جوانی بخدمت قشون وارد و در بیست  
سالگی بر بنه سلطانی از قاء یافته و در ۲۵ سالگی  
سر نیپ و در ۲۶ سالگی فرمانده کل قشون شد .  
جنگهای متعدد در اطریش و شام و مصر نموده  
فاتح گردید . در ۱۸۰۰ در ایتالیا فتح بر رگی  
نائل آمد و در ۱۸۰۴ سن ۳۵ امپراطور مملکت  
فرانسه شد . در سال بعد با انگلیس و روس و  
اطریش جنگیده غالب و در حقیقت دیکتاتور تمام  
اروپا شد ولی در حمله اخیر که بر روسیه نمود  
بشرفت نکرد . در اسپانول بیر شکست یافت و در  
۱۸۱۴ قشون متعفن وارد پاریس شده اورا  
مجبور بستمعنا نموده ، در سال بعد مجدداً (هنگام  
حکومت صد و ده روره مراجعت اراک) با قشون  
خود با انگلیس و آلمان حمله نموده و در میدان  
واترلو در ۱۸ ژوئن ۱۸۱۵ شکست یافته دستگیر  
و بحریره ست هلن تبعید گردید و پس از شش  
سال در آنجا بمرد ، ۱۱ ، ۱۱ ، ۲۳ ، ۶۰ ، ۶۲ ، ۷۱ ، ۱۱۴  
۱۱۶ ، ۱۸۷ ، ۲۰۹ ، ۲۲۴ ، ۲۲۹ ، ۲۳۰ ، ۲۳۵  
۲۵۰ ، ۲۷۷ ، ۲۷۸

**بوزر جمهر (بزرگه مهر) :** وزیر معروف  
ابوشیروان است که حکیمی دانشمند بوده ، اختراع  
باری برد باو مسوسست که در مقام شطرنج ساخته  
بود ، ۲۳۵ .

### **بوژو (مارشال) Maréchal Bugeaud**

۱۷۸۲ - ۱۸۴۹

در ۱۸۰۴ وارد قوچ گارد تیر انداز شده  
و در جنگ استرلیتر سر حوقه بود . هنگام سقوط  
نابلیون سر جنگ و فرمانده قوچ بود . پس از  
مراجعت خانواده بوریون از خدمت استعفا داده  
بر راعت پرداخت تا از طرف لوی فیلیپ پادشاه فرانسه  
مجدداً بخدمتگذاری مملکت دعوت گردید . یکی  
از کارهای برجسته او فتح الحرایر است . در ۱۸۴۷  
بر تنه مارشالی و لقب دو کی مفتخر گردید .

بظربانیکه در تمام خدمات و زحمات سر باران  
خود شرکت می جست سر باران اورا سیار دوست  
داشته و اورا با بوژو میخواندند ، ۱۴۳ .

### **بهار (ملك الشعراء ، میرزا محمد تقی خان خراسانی) :**

ارادنا ، و دانشمندان عصر حاضر که مطالعات  
عمیقی در آثار تاریخی و ادبی ایران قدیم داشته  
و از جمله اشخاصی هستند که در این زمان بر مان  
پهلوی آشنا میباشند ، ۲۱۲ .

**بهرام :** نام یکی از پسران گودرز سردار  
ایرانست که در جنگ با تورانیان شرکت داشته  
است ، ۲۲۴ .

**بهرام (چوینه) :** نام سر لشکر هر مرز  
ابوشیروان است که اورا سب اینکه سمار لاعرو  
جنگ اندام بوده چوین میخواندند

گویند حاقان چین بواسطه رشادت بهرام  
(که شیری را کشته بود) دختر خود را باو داد  
و حسرو از این امر متعیر گردیده حراد بر زمین را  
برد حاقان برای چماره کشتن بهرام فرستاد و  
بالاخره بهرام بدست قاون بیچاره همان حراد بر زمین  
کشته شد ، ۵۰ ، ۵۱ ، ۵۲ .

### **بیزمارک (ایسمارک) Bismark**

سیاستمدار و فرمانده معروف و مقتدر نظامی  
آلمان وزیر در بیک کیوم چهارم پادشاه پروس  
مرد فعال و مقتدر و دیکتاتور قهاری بوده ، طرح  
اتحاد ممالک آلمان را ریخته و بالاخره پس از  
فتوحاتی که در قسمت اطریش و دانمارک کرد  
قطعاتی بحاک پروس افزوده در جنگ ۱۸۷۰  
فرانسه را مغلوب و اتحاد امپراطوری را تشکیل  
داده تاج امپراطوری را در قصر ورسای بر سر

## پهلوی : ( اعلی حضرت اقدس )

### رضاشاه کبیر ارواحنا فداه

نام نامی دودمان اعلی حضرت  
 اقدس شاهنشاه ایران رضا شاه کبیر  
 ارواحنا فداه است که سر دودمان این  
 سلسله محسوب و در تاریخ آذر ماه  
 ۱۳۰۴ بتخت سلطنت جلوس فرمودند.  
 طلوع این دودمان بر تاج و تخت  
 شاهنشاهی ایران موقعی صورت گرفت  
 که ایران بمنتهای ضعف و مذلت رسیده،  
 جز اسم خالی آنهم در داخل مملکت  
 مفهومی نداشت .

در زمان این شاهنشاه عظیم الشان  
 بقدری اصلاحات و تغییرات کلی در ترقی  
 و تعالی و عظمت مملکت بعمل آمده  
 است که از قوه تصور خارج بوده  
 و البته مورخین داخلی و خارجی شرح  
 مفصل آنرا در یادداشتهای خود  
 گنجانیده اند و بخودی خود زیب  
 صفحات تاریخ قرار خواهد گرفت ،

۲۸۳، ۲۸۰، ۲۵۰، ۱۱

پیران : نام پهلوان مشهور تورانیست که  
 سر لشکر افراسیاب بوده و یکی از سرداران  
 فوق العاده قابل بشمار میرفته است . ولی بالاخره  
 در جنگ دوازده رخ بدست گودرز سردار ایرانی  
 کشته شد .

طبق شرح شاهنامه این سردار از هیچگونه  
 فداکاری و بذل مال در راه توران و افراسیاب  
 مضایقه ننموده، حتی پس از کشته شدن دو برادر  
 او ( هومان و نستیهن ) باز در جنگ یابرداری نموده  
 تا عاقبت در راه انجام وظیفه مقتول گردید ، ۲۲ ،

۷۸، ۷۶، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۶، ۳۸، ۳۷

۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۹۵، ۹۱، ۸۹، ۸۴، ۸۳، ۸۰

۱۱۷، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸

۱۳۰، ۱۲۶، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۸

۱۴۲، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۳۱

بر سر پادشاه پروس گذارده او را امیر اطور آلمان  
 نمود و خود صدراعظم شد . نقطه نظر او همیشه  
 ضعیف و تنها گذاردن فرانسه و اطربش بود . بالاخره  
 هنگام جلوس ویاهلم دوم بتخت امیر اطوری آلمان  
 بعلی چند ناگزیر شد از کار کناره گیری نماید  
 ۲۴۹، ۲۰۸

بیژن : خواهر زاده رستم و پسر گیو ( پور  
 گودرز ) فرمانده ایرانی است که در جنگ با  
 تورانیان فتوحات متعدد نموده و دو برادر پیران  
 فرمانده کل قوای توران را که بنام هومان و  
 نستیهن موسوم بودند مقتول ساخت . گویند بر نیزه  
 دختر افراسیاب عاشق بود . شبی افراسیاب خبردار  
 شده او را گرفته در چاهی محبوس کرد ولی بعد  
 رستم خبر یافته اورانجات داد ، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۱۹ ،  
 ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۷  
 ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۸  
 ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸ ، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸  
 ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸ ، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸  
 ۲۵۶، ۲۴۷، ۲۲۴، ۲۱۸، ۱۵۴، ۱۴۱

پشون : نام موضعی است که پیران و طوس  
 نوذر در آن جنگ کردند و تورانیان فتح نمودند  
 اکثر پسران گودرز نیز در آن جنگ کشته شدند و  
 این جنگ را جنگ لادن و جنگ پشون گویند، مخفف  
 پشنگ هم هست که نام پدر افراسیاب باشد ، ۲۹ ،  
 ۱۳۰، ۹۰، ۸۵، ۸۲، ۷۳

پشنگ : بر وزن پلنگ نام پدر افراسیاب  
 میباشد و نام پسر او که شیده میگفتند و نیز نام  
 مبارزی از ایران و نام پدر منوچهر شاه است ، ۱۲۴ ،  
 پشوتون : برادر اسفندیار روئین تن پسر  
 گشتاسپ شاه است ، در اوستا ویرا پشوتنو ( بکسر  
 پای پارسی ) ضبط کرده اند ، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۵۶ ،  
 ۱۸۱، ۱۷۸، ۱۷۵، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۷۰  
 ۱۹۵، ۱۹۳، ۱۸۶

پلاشان : نام یکی از پهلوانان تورانیست که  
 در اردو کشی طوس شوران بدست بیژن پسر  
 گیو کشته شد ، ۱۳۳، ۱۳۱ ،

پولاد : نام یکی از پهلوانان ایرانیست و  
 نیز نام دیویست مازندرانی که او را پولاد غندی  
 می گفته اند ( بضم غین نقطه دار ) ۲۵۶ .



**پیشدادیان** : فردوسی وا کتر نویسنده گان قرون اسلامی يك سلسله شاهان را تا نوذر و گرشاسب، پیشدادی دانسته اند ولی در (یست) اوستا لقب یزدات که در قرون بعد آنرا پیش داده یعنی آئین پیش گفته اند فقط بهوشنگ داده شده است .

مدت سلطنت این سلسله ( که طبق شرح داستانها بدست می آید و شامل پادشاهی نهمین بوده است ) ۲۳۶۱ سال و یکروز کم میباشد ۲۷۸ .

**پیغو** : بر وزن و معنی پیکو باشد و آن ولایتی مشهور و نام هر که پادشاه آن ولایت شود ، ۳۳ .

**تخوار** : بضم اول وواو معدوله ( بر وزن دجار ) نام پادشاه دهستان است که از مبارزان لشکر کب خسرو بوده است . ۲۲۴ ، ۲۲۶ .

**تور** : نام داماد افراسیابست که بر دو گروه پادشاهی داشت، گیواور ازنده گرفته کشت، ۱۳۰ ، ۱۳۱ ، ۱۳۲ .

**تور** : نام پسر بزرگ فریدونست که تورج باشد و این نام در مؤید الفضلاء بازای فارسی هم آمده است، ولایت تورانرا هم گفته اند، ۸۲ ، ۱۶۱ ، ۱۶۴ .

**توران** : نام ولایتی است بر آنطرف آب آمو، یعنی ماوراء النهر ، و چون این ملک را فریدون به پسر بزرگ خود (تور) داده بود به توران موسوم شد ، ۳۲ ، ۳۷ ، ۳۸ ، ۴۰ ، ۶۵ ، ۶۷ ، ۶۹ ، ۷۰ ، ۷۱ ، ۷۵ ، ۸۰ ، ۸۲ ، ۸۴ ، ۸۷ ، ۸۹ ، ۹۴ ، ۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۵ ، ۱۰۸ ، ۱۱۰ ، ۱۱۱ ، ۱۱۳ ، ۱۱۷ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۲۴ ، ۱۲۶ ، ۱۲۷ ، ۱۳۰ ، ۱۳۳ ، ۱۳۴ ، ۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۵۰ ، ۱۵۱ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴ ، ۱۶۳ ، ۱۶۸ ، ۱۸۴ ، ۲۰۰ ، ۲۰۲ ، ۲۰۳ ، ۲۱۷ ، ۲۱۹ ، ۲۲۰ ، ۲۲۱ ، ۲۲۳ ، ۲۲۷ ، ۲۳۰ ، ۲۴۶ ، ۲۵۵ ، ۲۶۰ ، ۲۶۱ .

**تهمین** : یکی از القاب رستم زال و بهمن است ، مردم قوی جنبه و شجاع بی نظیر را نیز گویند ، چه معنی ترکیبی این لغت **بیهمتان**

است یعنی تنی که عدیل و نظیر نداشته باشد و بمعنی سیه دار و لشکر کش و خداوند سپاه هم هست ، ۸ ، ۴۵ ، ۴۶ ، ۴۷ ، ۱۴۱ ، ۲۲۸ ، ۲۶۵ .

**تیرگان** : نام روز سیزدهم است از تیر ماه ، گویند در اینروز منوچهر با افراسیاب صلح کرد بشرط آنکه افراسیاب يك تیر پرتاب راه از ملک خود بمنوچهر بدهد ، پس حکماتیری ساختند از روی حکمت و در وقت طلوع آفتاب آرش آن تیر را به کمان نهاده از جبال طبرستان بطرف مشرق انداخت ، بعد از تفحص بسیار بطوریکه در بعضی از کتب نوشته شده آن تیر را در کنار آب آهویه یافتند ، ۵۴ .

**جمشید** : اسم او جم است زیرا شید بمعنی درخشنده است ، موافق روایات این شاه روایت دائمی با اهور مزدا داشت ، هر مزد باو تکلمه کرد که آئین هر مزد پرستی را در میان مردم منتشر کند ولی او چون اوضاع واحوال را مقتصد ندید استکفام نمود و این ماموریت برای زرتشت ذخیره گردید .

موافق فردوسی جمشید مردم را بیچاره را تقسیم کرد : ۱ - کانونزیان ( پرستندگان ) ۲ - نیساریان ( جنگی ها ) ۳ - نسودی ( برزگرا ) ۴ - آهنوخوشی ( پیشه وران ) .

فردوسی بر پا کردن جشن نوروزی را از او میداند .  
سلطنت جمشید را در داستانها ۶۵۰ و بقولی ۷۰۰ سال گفته اند ، ۱۹ ، ۲۲ .

**جهن** : بکسر اول و سکون ثانی نام پسر افراسیابست ، ۶۵ ، ۲۰۱ ، ۲۷۶ .

**جیحون** : نام رودیست در ترکستان که آنرا آمو دریا نیز میگویند و در کنار این رود شهریست که به آموی موسوم بسوده و جیحون یا نشهر منسوبست ، ۳۷ ، ۱۰۴ ، ۱۲۲ ، ۱۲۵ ، ۲۳۱ ، ۲۶۲ .

**چین** : ممالک آسمانی چین قطعه وسیعی است در مشرق آسیا و مرکب از سه قسمت است :  
۱ - منچوری ۲ - چین خاص ۳ - ترکستان و

مفولستان ، مرکز نژاد زرد و دارای رود خانه های عظیم و جمعیت بیستمار است ، شهرهای بزرگ و مراکز مهم تجاری دارد ، بندر معروف آن شانگهای است که مرکز تجاری دول اروپا نیست ، ۱۰۱ ، ۱۲۲ ، ۱۲۴ ، ۱۹۳ ، ۲۲۰ ، ۲۲۸ ، ۲۶۹ ، ۲۷۲ .

**حلب :** نام یکی از شهرهای بزرگ شام است که بین صحرای عربستان و دریای مدیترانه واقع گردیده ، شام را سوریه نیز میگویند ، ۵۹ .  
**ختن و ختا :** نام دو ناحیه مجاور بزرگی است در حدود مشرق ماوراء النهر ، سلطان محمد خوارزمشاه با گورخان سلطان آن مملکت رزم نموده پیروز گشت . ختن دارای مراتع و چراگاههای نیکوئی است که حیوانات صحرایی در آن بسر میبرند و آهوی آن بسیار معروف است و مشک مخصوصی که معروف است از آن میگیرند اکنون جزو ترکستان چین است ، ۷۱ .

**خرآن :** بفتح اول و تشدید تانی نام یکی از یهوانان ایرانی بوده است و بی تشدید تانی نیز بهمین معنی باشد .

نام پادشاهی هم است که بفضل و دانش مشهور بوده ، ۱۳۹ .

**خسرو :** بمعنی ملک و امام عادل باشد و نام پادشاهان کیان هم هست و هر پادشاه صاحب شوکت را نیز گویند ، ۱۴۸ .

**خوارزم :** نام شهر بست معروف و مشهور از ترکستان ، ۱۲۲ ، ۱۸۰ ، ۲۳۱ .

**دراگومیرف :** Dragomirov .  
( ۱۸۳۰ - ۵ - ۱۹۰۵ م )

سردار روسی که در جنگ بین روسیه و عثمانی شهرتی بسزا کسب کرده فتوحات نمایانی نمود ، ۶۳  
**دستان :** ( دستان زند ) نام زال پسر سام که پدر رستم باشد . گویند زال را سیمرغ این نام نهاده و او حکیمی بوده است ، نسب او بشرح ذیل بجمشید میرسد : جمشید وقتی که از ضحاک فرار کرد به زال رفت و دختر کورنگ را گرفت

از این ازدواج اعقابی داشت که یکی از آنها گرشاسب بود ، از او نریمان و از نریمان سام . و از او زال بعمل آمد ، ۲۱۸ ، ۲۲۷ .

**دقیقی :** استاد ابو منصور محمد دقیقی آخرین شاعر بزرگ دوره سامانی و روزگار شهرت او در زمان سلطنت منصور بن نوح بن منصور بوده است . بعضی از تذکره نویسان او را بلخی و بعضی بخارائی و یاره سمرقندی میدانند شهرت عمده او بواسطه شاهنامه اوست که با مر نوح بن منصور بنظم آن شروع و قسمتی از آنرا بیابان رسانیده ولی بدست غلام ترک خود در زمان غزنویان مقتول و کارش ناتمام ماند . یک هزار بیت از آن شاهنامه که موجود بوده فردوسی عیناً در شاهنامه خود آورده و تصریح کرده است که گفته دقیقی است و آن هزار بیت مشتمل بر داستان گشتاسب و ظهور زرتشت است . چون آئین زرتشت را ستوده و از طرفی در اشعار خود نیز ذکر نموده است که این کیش را برگزیده میتوان مذهب او را زرتشتی دانست ، ۳۳ .

**دنویتز :** Dennevit  
نام دهکده ایست در روس که در آنجا مارشال نی Ney سردار ناپلئون اول در سال ۱۸۱۳ از ژنرال بولو Bu ow آلمانی سردار معروف جنگ واترلو و لیزیک شکست خورد ، ۲۷۷ .

**دوازده رخ :** جنگی بوده است عظیم و مشهور میان گودرز و پیران سرداران معروف ایران و توران و آن جنگ در دامن کوه کنابد واقع شده است . در این جنگ پیران و پسه با چند تن از برادران و یازده تن از سرداران خود کشته شد ، ۲۷ ، ۲۹۷ .

**دوستر :** Maistre (Paul-André-mari de)  
۱۸۵۸ - ۱۹۲۲

فارغ التحصیل مدرسه نظامی سن سیر صنف پیاده نظام از ۱۹۰۰ استاد دانشگاه جنگ در پاریس - در ۱۹۱۲ سرنیپ و در ۱۹۱۴ ( ابتدای جنگ ) رئیس ارکان حرب ژنرال لانگل و پس از آن



یادشاه ایران گروه نژاد را پراکنده ساخته بگذشته  
از آنان را برانستان کوچانید و آبادی را سکری  
خوانند یعنی زیست کنندگان مانند سنگ و آن  
زمین را که سکریان ساکن شده است سکستان  
نامیده اند که معرب آن سحستان است ( ۱۴۱۰ ،  
۲۱۹ )

**زرنشت** - فرزند یوروسپ ( پندرش ) و  
**دغدو** ( مادرش ) ، از نژاد فریدون پسر آتش  
بوده ، در شهری و در روز خرداد فروردینماه  
هنگام پادشاهی لهراسب شاه بدست آمده ، نام دودمان  
او **اسپتمان** است که معنی پادشاه و دانا آمده است .  
اشور زرنشت کیش خود ( مزدیسنی را که حدایرستی  
است ) را در شهر نایح آشکار کرده و شاه گشتاسب  
آمرای بدرفت . دروس اخلاقی کیش زرنشت در سه  
کلمه خلاصه ، مختصر شده هومت ( همیشه پیک )  
هومت ( گمناز پیک ) هورست ( کردار پیک )  
نامت زرنشت بر مان اوستا بوده و دیرینه ترین  
آنها گماناست که توضیح موروثی نوشته شده است .  
بورجین معروف یونانی مانند ( ویلمی کمر ) و  
( بلواتارک ) و ( سکولیان ) و ( دیارس لارس )  
و ( لاکمانتیا ) و ( سوبداس ) و ( هسارگوبس  
سلساس ) شت زرنشت را چند هزار سال قبل از  
موسی نوشته اند و طبق کشمسانی که ( ویبارگان )  
فرانسوی در نیمه اول و نایل اصل آورده بود در زمان  
زرنشت را بدست مابین همت الهی هشت هزار سال  
قبل از مسیح می رساند . بنا بر این یکی از پرافتخار  
ترین آثار ایران باستان همین است که با این قیمت  
دارای کیشی بوده اند که خدا شامی و پرستش  
ایرد پیکتا را ضمن هزاران نکات اخلاقی و حکمتی  
دیگر شامل نموده ، میتوانند بهترین مدرک در  
دارندگی عالیترین تمدن حقیقی را ، جهایان  
ارائه دهند ، ۲۶۴ ، ۱۷۸ ، ۲۷ ، ۲۶ ، ۲۵ ، ۲۴ ،  
**زریور** : نام مرد گشتاسب است ، ۳۶ .  
**زم ( زم )** : نام رودخانه است و معنی  
گویند نام شهری است که این رودخانه از پهلو  
آن میگردد و بدان شهر موسوم است ، ۲۳۹ ، ۱۴۴

**زنگله ( زنگوله )** : نام بناوری است تورانی  
که در جنگ دوازده رح بردست فرودل ابرایی  
گشته شد ، ۱۱۰ ، ۷۰ .

**زنگه** : نام پهلوامی است ایرانی که پدر  
اورا شاوران خوانند ، این پهلوام در جنگ دوازده  
رح احواس تورانی را کشت ، ۲۲۶ ، ۲۱۸ ، ۶۸ .  
**زواره** : نام برادر رستم است ، ۶۸ ، ۵۳ ، ۸۲

**ژومینی** : John ( Henri- Baron )

۱۷۷۹ - ۱۸۶۹

در سویس متولد شده و در ابتدای حوایی  
وارد رژیمان سویس و خدمت فرانسه داخل شد  
در ۱۸۰۴ رساله در خصوص عملیات نظامی و  
انتقاد تاریخی جنگهای فردریش دوم نوشت . هنگام  
امپراطوری سمث آخوندانی مارشال می انتخاب و  
در آسیایا و روسه جنگ کرد و چون با درجه  
امارت لشکر او مخالفت شد ، خدمت امپراطور  
روسیه رفته ، آخوندان امپراطور و مربی ولیعهد  
شد . در این دوره اطلاعات سودمندی متعین داده  
و کتی در خصوص جنگ ساخت ، ۶۳ .

**ساسانیان** : چهارمین سلسله از سلاطین

ایران است که سر دودمان آنها اردشیر ماکان  
نام داشته ، از این سلسله ۴۹ نفر تحت سلطنت  
نشسته که جمعا مدت پانصد و دو سال و ۹ ماه  
حکومت شان دوام داشته است . آخرین شهریار  
این دودمان بردگرد سوم است که طلق روایت  
شاهنامه در موقع هجوم اعراب با ایران تخریک  
ماهوی نام . آسیایان گشته شد ، ۲۷۸ .

**سام** : نام پدر زال و در رستم است ، ۲۲۷ ،

۲۴۷ ، ۲۲۹

**ساره شاه** : نام پهلوامیست تورانی که در

جنگ مابهرام چو ۵۴ ، ۵۱ ، ۵۰

**سپهرم** : نام یکی از پهلوامان تورانیست

از حویشاوندان اهراسیاب که در جنگ دوازده رح

بردست هجیر پسر گو در کشته شد ، ۱۱۰ ، ۷۰

**سرخس** : شهری است معروف در خراسان

**سرخه** : نام پسر افراسیاب است که فرامرر اورارنده گرفت و رستم نکیس سیاوشش نکشت، ۵۰۰.  
**سقیلا** : کوهی است در شامات که بر فرار آن قلعه باین نام ساخته بود و ابوشیروان آنجا را تسخیر نمود، ۵۹.

**سلم** : پسر فریدون و برادر ایرج و تور. فریدون ممالک عرب و شام را باو بخشید و چون بر ایرج حسد میبرد ماتفاق برادر دیگرش تور او را کشت ولی بعدها مسوجه ر پسر ایرج نحو خواهی پدر بر حاسته با سلم حکید و او را گرفتار کرده نکشت، ۹۶۱.

**سوم** : Somme نام رودخانه ایست در شمال فرانسه و بیرام ابالتی است که این رودخانه از آن میگردد. این ناحیه قسمتی از صحنه عملیات جنگ بین المللی را تشکیل داده و در آنجا در زویه ۱۹۱۶ جنگ خوبی موقوف پیوست که نام آن محل (مجاره قسم) معروف شده. تهیه این حمله را متعین از ششماه قبل دیده بودند و با آنکه از طرف آلمانها برای جلوگیری از این حمله مناقصت معصلی ابرار شد معهدا در لحظه معس ( که شش ماه قبل تصمیم آن گرفته شده بود ) اجرا گردید، ۱۰۷.

**سهر قند شهری** است در ماوراء النهر ۱۰۱.  
**سند** : نام ولایتی است از هندوستان و نام رودخانه عظیمی هم است که در آن سرزمین ساری است و با قباوس هند میربرد ۲۲۷، ۲۲۰۰.  
**سن سیر** . saint - eyr دانشکده افسری فرانسه در پاریس است که در سه ۱۸۰۲ هنگام امیراطوری نابلیون اول تأسیس گردیده و برای صوف محتاجه قشون افسر تربیت میماید.

شرط دخول باین دانشکده شرکت در مسافه مخصوص و دارا بودن از ۱۸ الی ۲۳ سال است در هر سال شاگردان دو ماه را برای عملیات قشونی در لشکرهای محتاجه برای ماور میگدراسند، ۶۴.

**سهراب** : پسر رستم است که از دختر پادشاه سمگان بوحود آمده بود. داستان این دلاور بسیار وقت انگیز است زیرا بدست پدر

(رستم) در جنگی که از هویت بکدیگری اطلاع بود بد کشته شد. ۲۲، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰.

**سیامک** : نام یکی از پهلوانان توران است که در جنگ دوازده رح بدست گراره پهلوان ایرانی کشته شد. ۱۱۰.

**سیاوش (سیا و خش)** : نام پسر کیکاوس است که بر دست افراسیاب کشته شد و ایرانیان با مقام او جنگهای متعدد و معصلی با تورانیان نموده اند که بالاخره حدود افراسیاب هم بدست کیهسرو و پسر سیاوش مقهور و نحو خواهی پدر مقتولش ساخت (در این جنگها سرداران معروفی از طرفین کشته شد) ۸۸، ۸۲، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰.

**سیحون** : نام رودخانه ایست که در ماوراء النهر (بر دیک ححد) جاری و بدر باجه آرا ل میربرد ۳۷.

**سیستان** (رجوع شود بر استان)، ۲۲۷.

**شارل دوازدهم** . Charles XII

(۱۶۸۲-۱۷۱۸)

پسر شارل یازدهم پادشاه سوئد. پس از وصول سن رشد شروع برزم آرمائی نموده با سلاطین دانهارک و روسیه و لهستان سردهای سختی نموده و فاتح گردید.

در مرتبه دوم که برصد بطر کبیر شروع بحاصمه و جنگجویی نمود با مهارب و نظم قشونش، شکستی فاحش در پولتاوا از قشون روسیه دیده و مجبور شد ترک پناه برد و با مساعی که برای همراهی سلطان احمد سوم سلطان عثمانی جهت صدمت با روسیه و همراهی با سوئد نکار برد موفق شد پس از مدد مدیدی سوئد بازگشته و با گریز شد با تزاروس مصالحه کرد و از قسمت عمده متصرفات خود صرف نظر مایند. در حین ایام که در صدد حیران ماهاب بود نصرب گاوله در ۱۷۱۸ از برای در آمد، ۱۱۰.

**شوراب** : نام شهری بوده است در رم که ابوشیروان آنجا را فتح و با حاکم یکسان نمود، ۵۶.

**شیدوش** : نام یکی از پسران گودر  
است . ۶۹۰ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰ ، ۱۴۱ ، ۱۵۴ ، ۲۱۸ ، ۲۲۴ .

**شیده** : نام پسر امرا سیاب است . گویند  
چون او سیب حسن و جمال داشت پدرش او را  
به شیده ملقب گردانید ، ۱۲۲ .

**طبرستان** : نام ولایت مازندران است که  
در آسادی و فراوانی نعمت و حاصل جبری و  
شکوه و ریائی مناظر طبیعی بر تمام نقاط ایران  
برتری دارد . در زمان قدیم مرکز حکمرانی  
اسپهبدان و سلاطین مقتدر بوده است ، آثار تاریخی  
سیار در نقاط مختلف آن یافت میشود ، ۵۴ .

**طوس** : پسر گودر و از پهلوانان ایران  
است که شخصی خود خواه و مستند الرأی  
بوده و باین واسطه غالباً مرتکب خطای  
بزرگ جنگی میشده است ( کشتن فرود ، شکست  
از تورانیان و غیره ) . ۱۲۲ ، ۸۲ ، ۵۴ ، ۴۶ ، ۴۵ ،  
۱۲۳ ، ۱۲۵ ، ۱۳۰ ، ۱۳۲ ، ۱۳۵ ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ،  
۱۴۰ ، ۱۴۱ ، ۱۵۱ ، ۲۰۷ ، ۲۱۸ ، ۲۲۲ ، ۲۳۲ ،  
۲۴۶ ، ۲۵۶ ، ۲۷۱ .

**طیسفون (تیسفون)** : یا مدائن یا بخت  
اشکابیان و ساسانیان و شهر مهمی بوده است در  
کنار رود دجله . اکنون حراجه های آن بزرگ  
شهر تاریخی بغداد است ، ۱۴۸ .

**عسجدی** : ابو بکر عبد العزیز بن منصور  
مروری متخلص بعسجدی از شعرای دربار محمود  
عربی و از معاصرین عنصری و بقیده عنصری  
شاکرد وی بوده است . قصایدی در مدح محمود  
ساخته ولی جبری از آنها در تداکر شعراء  
بیامده است و فقط قطعات معدودی از آثار او  
باقی است ، قصیده عرائی در فتح بنکده سومان  
سروده که شاهکار وی محسوب میشود

وفات او را در سنه ۴۲۲ سال وفات مسعود  
عربی نوشته اند ، ۴۱ .

**عموریه** : نام شهر است . سرزمین شام  
۵۹

**عنصری** : حکیم اسوالقاسم حسن بن احمد

متخلص بعصری پس از مرگ پدر تجارت را  
پیشه خود ساخته و در کمترین مدتی اموال موروثی  
را مادمه داده سپس نکست دانش و علم پرداخته  
مرلتش بدرجه رسید که از طرف سلطان محمود  
عربی بلقب ملك الشعرائی نائل گردید وفاتش در  
سال ۴۳۱ هجری است ، ۲۱ ، ۲۲ .

**غز** : نام قطعه ایست از سرزمین توران که  
اهالی آن صهی از ترکان عارت گر بوده اند .  
گویند در زمان سلطان سحر این قوم فوت  
گرفته حراسان را تصرف آوردند و سلطان را  
گرفته در قفس محبوس ساختند ، ۱۲۲ .

**فراهز** : نام پسر رستم است که او میر یکی  
از پهلوانان معروف شمار عیاده و در موقع  
حملة توران بفر مامور اشغال حرگاه ( ناحیه از  
شمال هند ) گردیده بود ، ۵۰ ، ۵۳ ، ۲۲۰ ، ۲۲۷ ،  
۲۳۹ ، ۲۴۰ .

**فرخی** . ابوالحسن علی بن حولوع متخلص  
فرخی از شعرای بزرگ دربار محمود عربیست ،  
اصلاً سیستانی بوده ، پدرش در خدمت امیر حلف  
سیستانی بود ، قبل از خدمت محمود در سیستان  
بر دهقانی سر میبرد ، چون کدرا او میشود  
از او رحمت گرفته عازم خدمت امیر ابوالمظفر  
جعابی گردید و در صحرای داعگاه قصیده معروفی  
در مدح شهریار جعابی سرود و صاف بزرگی یافت ،  
پس از مدتی عازم دربار محمودی شده در آنجا  
مقام و مرتبه بلندی رسید دیوان او معروف است  
و تالیعاتی در عروض و همدالشعر دارد ، وفات او را  
سال ۴۲۹ ذکر کرده اند ، ۲۱ .

**فردریک** : (Frédéric le grand)

(۱۷۱۲-۱۷۷۶)

پادشاه پروس ارسنه ۱۷۴۰ تا موقع مرگ پادشاه  
بوده بواسطه حسن سیاست و داشتن ورزای عاقل و  
قوای نظامی بر شوکت و عظمت مملکت خود افزود ،  
این پادشاه دارای آثار علمی و مطالعات

نظامی است. سی حاد از تالیفات وی باقی مانده است، ۱۱، ۲۳۷.

**فردوسی**: آشکار است که اگر خورشیدی بر گروه خواب آلودی تابد و در مدت تاش آن هیچکس بیدار نشود مگر پس از غروب، کیفیت وجود آن خورشید را بایستی از آتاری که رخای گذارده است نحس نمود. بدین نظر چون در زمان فردوسی بیداری سوده تا سلیقه امروره یاد داشتی از او تهیه و بدست ما بدهد هر چه در باره آن مرد بر رک گفته میشود استناطی است که از آثار او بدست میآید و چون دوز، روحیات، درجه معلومات و فن مخصوص اشخاص در مورد شخص و ادراک مطالبی از آثار دیرین متعاقب بوده، در باره موضوع واحد هر کس نحوی مخصوص مطلبی را درک و از آب در میآورد که عالماً یا مطالب دیگران متناهی است، ما شرح مذکوره اگر بحرف فردوسی در این کتاب با آنچه ما کسوف حدس رده اند، معاوی دارد هیچگونه محبت و بردیدی در باره آن روا نمیشد و **اما راجع بشرح حال او**: مطابق آنچه از آثارش استناط میشود **تولدش** در حدود ۳۲۰ و کسری هجری **وفات او** بعد از ۴۰۰ هجری **مولد او** طوس، **مذهب او** پرستش ایردیکتا و بر رک داستن کلمه یسمران و مردان بر رک، شاه پرستی، ایران پرستی، راستی و مردی و مردانگی و ستاییده حرد و دانش، که در هر یک بحد اعلی کامل و بهترین نمونه میتواند واقع گردد. **اخلاق او**: تمام معنی، سلحشور، فوق العاده بلند همت و باع - نفس، سخی و ناگد زتوف در باره ریزدستان، و

دوستان، با سختی و شدت نسبت به دشمنان، معتقد بلروم مقررات و قوانین، در عین حال بی اعتنا بحوادث روزگار. **معلومات او**: میتوان گفت از کلیه معلومات متداوله آن زمان بحد کافی بهره مند و در قسمت های دین تخصص داشته است. فنون حسگی ادبیات، تاریخ باستانی، حکمت، فلسفه، الهه

(مخصوصاً زبان پهلوی) **نام او**: حسن، احمد، ابومنصور یا غیره که میگویند حدسی بیست، آنچه که استناط میشود است که اسم فردوسی قطعاً یکی از نامهای عربی بوده (که در آن زمان معمول بوده) و فردوسی شخصاً چندان میل و رعنی بآن اسم که با چار پدر و مادرش گذارده بودند نداشته چنانکه حتی یکمرتبه هم آنرا ذکر نموده است و چون استعمال کلمه فردوسی خود او قضاقت کرده بمرورد خواهد بود که ما بحلاف میباش یک اسم عربی بر او اضافه کنیم **خا فوادة او**: از طمقة بحما، و بررگان ایران که بحد کافی توانگر بوده اند، چه کسب معلومات مذکوره مستلزم صرف محارح هندگفتی بوده است. **آثار او**: حر شاهنامه آثارد دیگری که باو نسبت میدهند محل تردید است زیرا با کمترین قسمت شاهنامه می تواند برابری که

در عین حال شکی نیست که چنین سراینده برر گواری آثار مفصل دیگر بیر داشته است که معرصن او و ایران آنها را بر سر برده اند. (نام او در غالب صفحات این کتاب ذکر شده است).

**فرشیدورد**: نام یکی از پهلوانان تورانست که بدست گسنگم پهلوان ایرانی کشته شد، ۷۰، ۱۱۰، ۱۹۱.

**فرفور یوس**: نام سردار رومی است که در جنگ با او شیروان معلوب گردید، ۴۸، ۴۹. **فروید**: نام پسر سیاوش است که در موقع اردو کشی قوای ایران توران بواسطه سوء رفتار طوس فر مانده قوای ایران بحلاف میل و عقیده خود محور شد داماد و پسر طوس را نکشد ولی چون ایرانی الاصل بود از کشتن گیو و طوس که مبارزه او رفتند خودداری نموده و نکشتن اسب آنها اکتفا کرد. مالاخره در همان جنگ بدست بیژن کشته شد. ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۶.

**فروهل**: نام یکی از پهلوانان ایرانی ۸۰، ۶۸.

**فرهاد** : نام یکی از پهلوانان ایرانیست ۶۹

۰۲۲۶، ۲۲۵، ۲۱۸، ۹۱

**فریبرز** : نام پسر کیکاوس است که در جنگ

دوایده رح کلساد پسر پیران ویسه را به قتل

در آورد ۰۲۱۸، ۸۵، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۶۸، ۵۳

۰۲۷۱، ۲۶۰، ۲۲۲

**فریدون (آفریدون)** : نام یکی از

پادشاهان پیشدادی است که عدل و داد مشهور

بوده . پدر او آتش و سسش به تهمورث مرسد

مادر فریدون فراک نام داشت . کاوه که از طلسم

صحاك بحان آمده بود طعمان نموده فریدون را

که از اعصاب حمشد بود یافته بر تحت سلطنت

شاید و این شاه کاوه را سرداری لشکر گماشت

صحاك را بر عقب نموده در نابل یافتند و نابران

آورده در کوه دماوند محسوس ساختند، ۰۱۶۱

**فشی (مارشال)** (Foch (Ferdinand

(۱۸۵۱ - ۱۹۲۹)

فرانسواز فشی سردار معروف فرانسوی در

موقع جنگ بین المالی فرمانده لشکر مهم شمال

و در ۱۹۱۸ (اواخر جنگ) فرمانده کل قوای

متعیین شد، احراً بر عضو آکادمی فرانسه بود

۰۲۵۰، ۶۱

**فن در گولتز** (Goltz (von der

(۱۸۴۳ - ۱۹۱۶)

امیر و نویسنده نظامی پروس - در جنگهای

۱۸۶۶ و ۱۸۷۰ شرکت حسته و در ارکان حرب

متصدی قسمت تاریخ جنگ و مطالعات نظامی بوده .

ندوا يك سلسله مقالاتی راجع جنگ ۱۸۷۰

منتشر ساخته و نظریاتی در خصوص گامتا و قشون

او برشته تحریر در آورد . بعد از آن يك سلسله

مقالات و کتب معینه نظامی دیگر نوشت . در سال

۱۸۸۳ مأمور تشکیلات قشون ترکیه شد . کمی

پس از این تاریخ سر تیب سواره نظام واحودان

مخصوص امپراطور گیوم اول گردید . هنگام

جنگ ۱۶ - ۱۹۱۵ فرماندهی لشکر اول و هشتم

عثمانی را بر عهده داشته و در سال ۱۹۱۶ در

آورد گاه عراق خان سپرد، ۰۲۸۰

**قالینوی** : نام شهر بست در شامات که

اوشیروان ما فروریوس در آنجا جنگ نموده

سیاه رومیان را منهرم ساخت، ۰۴۸

**قیاد** . نام پادشاه ساسانی پسر فیروز و پدر

اوشیروان است . مدت سلطنت او چهل و سه سال

بوده . مردك در زمان این پادشاه پیدا شد، ۰۲۵۳

**قرقار** : نام پادشاهی بوده است در اندلس

که معاوی اسکندر گردید، ۰۵۷

**قنوج** نام یکی از شهرهای قدیم هندوستان

است، ۰۲۲۷، ۲۲۰

**کابل** نام شهری است مشهور ماس خراسان

و هندوستان، ۲۲۷

**کارنو** : Carnot

(۱۷۵۲ - ۱۸۲۴)

لارار کارنو سردار معروف فرانسه و از علما و

ریاضی دانان معروف آن سرزمین است . هنگام

انقلاب کبیر فرانسه عضو اجس صنات عامه بوده،

تجهیزات لشکری و فشنوکنشی فرانسه را بر علیه

دشمنان خارجی او مرتب و منظم ساخته و برای

حفظ جمهوری فرانسه خدمات بشمار می کرد . او را

پدر فتح و طغر و بحاب دهنده وطن نام داده اند .

هنگام قسولی و امپراطوری ناپلئون او سرداعنه

داشت و روزگاری می گذراند تا در هنگام حکومت

رحمت (لوی ۱۸) تبعید شده در شهر ما گدنورگ

آلمان خان سپرد، ۶۳، ۱۱

**کاسه رود** نام رودخانه ایست در حدود

توران زمس ۰۱۳۵

**کاوس (کیکائوس)** دومین پادشاه کیان

ویسر کیقناد است . یکی از پادشاهان نامی بوده ولی

بواسطه خودسری و بوالهوسی مکرر در محاطره

افتاده و رستم او را بحات بحشید ، مدتی در حسن

شاه مارندران بود تا رستم با رحمتی از هفتخوان

عبور کرده او را رها کند .

در اواخر حیونی او را عارض گشته و در گذشت



مدت سلطنتش را ۱۵۰ سال نوشته‌اند ۱۲۳، ۲۱۸، ۲۷۱، ۲۱۹

**کتماره** . نام یکی از مبارزان ایرانیست که در جنگ دوازده رخ شرکت، داشت ۶۹ .

**کرگسار** : نام پهلوان تورانی است که بدست اسفندیار اسیر شده بود . اسفندیار برای رسیدن بقلمه ارجاسب جهت کسب اطلاع او را به‌مراه خود برده بود ولی او اسفندیار را فریب داده برآه هفتخوانش کشید و پس از آنکه اسفندیار بر هفتخوان غلبه نمود از دادن اطلاعات دیگر راجع بروئین دژ خودداری نموده و اسفندیار او را بکشت ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷ .

**کزدهم** : یکی از پهلوانان ایرانی است که دختر او (گردآفرید) از زنان دلاور بوده و در جنگ با سهراب نیز شرکت جسته بود ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲ .

**کشمیر** : نام شهری است در هندوستان که با بادانی و وفور نعمت معروف است ، ۲۲۰، ۲۲۷ .

**کشواد** (کشوادگان) : نام خسانواده گودرز بوده است . ۷۸، ۸۳، ۲۲۴، ۲۴۷ .

**کلاوزویتز** : (Karl von Clausewitz) (۱۷۸۰-۱۸۳۱)

ژنرال روسی، در سال ۱۷۹۲ وارد خدمت شده و در سال ۱۸۱۸ مدیریت آکادمی جنگ را در برلن عهده‌دار شد. یکی از متفکرین عمیق نظامی است . رساله معروف او روی لشکر کشی جنگ ۱۸۳۳ او را مشهور ساخت ، ۲۱۰ .

**کلباد** : نام پهلوانی بود تورانی که در جنگ دوازده رخ بدست فریبرز پسر کاوس کشته شد، ۷۰، ۱۱۰، ۲۵۶ .

**کتابد** : نام ناحیه‌ایست که دارای کوهی بوده و گودرز سر لشکر کیخسرو در آنجا فرود

آمده بود . در این محل بیژن دوسه برادر پیران را بچند مصاف کشت، بعد از آن ده پهلوان دیگر از تورانیان بردست ایرانیان کشته شدند و در آن روز خود پیران نیز در بالای کوه بدست گودرز مقتول گردید . این جنگ را دوازده رخ گویند لکن بیازده رخ شهرت دارد ، ۴۷، ۶۵، ۶۶، ۸۵، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۰۹ .

**کوچ و بلوچ** : نام طایفه است از صحرا نشینان که در کوه‌های اطراف کرمان توطن دارند و گویند اینها از عربان حجازند و حرفت ایشان جنگ و خونریزی و دزدی و راه زنی باشد اگر احیاناً بیگانه نیابند یکدیگر را بکشند و مال هم را تاراج کنند و همچنین برادران و خویشان و دوستان باهم جنگ کنند و این عمل را بسیار میدانند و بعضی گویند موضعی است ماه سیاهان و کرمان ، ۲۲۵ .

**کهرم** : نام یکی از پهلوانان تورانیست که در جنگ دوازده رخ بدست برته پهلوان ایرانی کشته شد ، ۱۱۰، ۱۹۱ .

**کیان** : نام دومین سلسله از سلاطین ایران است که سر سلسله آن کیقباد و آخرین آنها دارا بوده است . سلاطین این سلسله نه نفر و جمعاً مدت ۷۱۸ سال سلطنت کرده‌اند ، ۶۸، ۸۰، ۸۳، ۸۶، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۷۸ .

**کیخسرو** : نواده کیکاوس و مادر او فرنگیس دختر افراسیاب است. کاوس او را بکمک کیو یافته و بساطنت ایران برنشاند . پادشاهی عادل و نیکو کار بوده، جنگ‌های متعددی بخونخواهی پدر با افراسیاب کرده زمانی غالب و گاهی مغلوب میشد تا بالاخره بواسطه دخالت رستم فتح نصیب ایرانیان گشته و افراسیاب از پای درآمده اسیر و بقتل رسید و توران جزو ایران گردید . مدت پادشاهی او را ۶۰ سال نوشته اند ، ۲۲، ۳۲، ۵۴، ۵۶، ۶۵، ۷۶، ۸۲، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۴۲، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳ .

**کیقباد (قباد)** سر دودمان کیان از اعقاب فریدون . هنگام جهاننداری او رمام امور در دست پهلوانان بود . در زمان او رستم تورانیان را شکست داده و از ایران برآمد . فردوسی سلطنت او را صد سال گفته است . در اثر فشار تورانیان مقر سلطنت را از شمال بحسب ایران منتقل نمود ، ۸۲ ، ۲۲۶ .

**گرازه** : نام پهلوان ایرانی است که در جنگ دوازده رح سیامک را قتل در آورد ، ۸۲ ، ۶۸ ، ۲۲۶ ، ۱۴۱ .

**گرد آفرید** دحیر کزدهم است که در نام کزدهم مذکور افتاد ، ۳۲ .

**گرسبوز** : نام برادر افراسیاب است که سیاوش سعایت او بدست افراسیاب کشته شد و بالاخره خود او بدست کیخسرو (پسر سیاوش) کشته شد . ۱۷۶ ، ۶۵ .

**گرشاسب** پسر راب پس از پدر سلطنت رسید و به سال سلطنت کرد . هنگام فوت او افراسیاب با بران قشون کشیده با دامنه کوه دماوند رسید و چون شهریار ایران مرده بود بررگان ایران برد زال رفته و برای دفاع ایران استمداد نمودند . او رستم را فرستاده از کوه السرر کیقباد را که از اعقاب فریدون بود یافته و شهریاری ایران دعوت نمود ، ۲۲۸ .

**گرمناج (گرمغان)** نام ولایتی است در شمال ایران و سر نام دارالملک ولایت حواریم باشد که معرب آن حرخامه است و برگان از گنج خواند ، ۱۲۳ ، ۱۲۲ .

**گرمین (میلاذ)** نام پهلوانی است ایرانی که در جنگ بیزن ساگراران ، به سزای حیات نموده از راه فریب او را طرف میزه مرده و بالنتجه در چاهی که معروف به بیزن شد از طرف افراسیاب محبوسش ساخت ولی بعد بحواش رستم بیزن (پس از رهائی) از بقصیر او گذشت ، ۲۱۸ ، ۶۸ .

**گروی زره** : نام یکی از حویشان افراسیاب است که در کشتن سیاوش مکرها کرد و حبلهها نمود بالاخره در جنگ دوازده رح بدست گیو

مخروح و اسیر گردید ، ۱۱۰ .

**گستههم** : پسر نودر پورموجهر است و نام پسر کزدهم هم هست و او یکی از پهلوانان ایران بود ، ۶۸ ، ۸۰ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰ ، ۱۴۱ ، ۲۱۸ ، ۲۲۵ ، ۲۷۲ .

**گشتاسب** : در تاریخ هرودت و کتیبه بیستون و یشتاسب و در پهلوی و یشتاسب و در طبری یشتاسب ، نام یکی از سلاطین کیان بوده که دین زرتشت را پذیرفته و پسر خود اسعدیار را چون داعیه سلطنت داشت بحک همتخوان و بعد بحک رستم فرستاد تا معدومش کرد . مدت سلطنتش را ۱۲۰ سال نوشته اند ، ۳۳ ، ۵۶ ، ۱۶۳ ، ۱۷۸ .

**گنگ دژ (گنگ بهشت)** نام قلعه ایست که در توران بوده با ارتفاع واستحکام فوق العاده مشهور و افراسیاب که از دست کیخسرو فرار نمود بدانجا پناهیده شد لیکن کیخسرو با میرنگ حالت توحهی آن قلعه را حراب و سحیر نموده افراسیاب را متواری صاحب . ۳۹ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۶۵ ، ۱۹۹ ، ۲۶۶ ، ۲۶۷ ، ۲۶۸ ، ۲۶۹ ، ۲۷۰ ، ۲۷۲ ، ۲۷۵ .

**گودرز** : نام یکی از بررگترین فرماندهان ایران داستانی است که مردی فوق العاده مدبر و از مومحکی و شیوة کارزار کاملاً آگاه بوده است ، این پهلوان لایق و معروف علاوه بر فداکار بهائیکه شخصاً در جنگهای مختلفه ابرار داشته بود کلیه پسران خود را بر خدمت قشون گماشته و عدد زیادی از آنها در جنگ ماتورانیان کشته شدند .

پسران فرمانده معروف توران بدست ایس سردار کشته شد ، گویند گودرز پس از حکم پسران هشتی از خون او بسوئید جنگ دوازده رح از شاهکارهای جنگی اوست ، ۲۲ ، ۲۸ ، ۳۷ ، ۴۰ ، ۵۴ ، ۶۵ ، ۶۶ ، ۶۷ ، ۶۹ ، ۷۲ ، ۷۳ ، ۷۴ ، ۷۵ ، ۷۶ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۳ ، ۸۴ ، ۸۵ ، ۸۶ ، ۸۷ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۱ ، ۹۲ ، ۱۰۳ ، ۱۰۵ ، ۱۰۶ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲ ، ۱۱۳ ، ۱۱۷ ، ۱۱۸ ، ۱۲۰ .

۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷،  
۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵،  
۲۰۳، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۲، ۲۴۷،  
۲۷۱، ۲۷۲.

**گورنگ شاه** : نام پادشاه زابلستان است که جمشید پس از فرار از دست ضحاک بدانجا رفته دختر او را بزوجیت خود در آورد، ۱۹۰.

**گیو** : طبری او را وی ضبط کرده است بنا بر این مینوان گفت که وی گمی شده و **گمی**، **گیو** : نام پسر گودرز است که از پهلوانان نامی ایران بشمار میرفته، ۲۱، ۲۲، ۲۸، ۵۳، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۷۳، ۷۴، ۸۰، ۸۱، ۸۴، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۲۰۷، ۲۱۸، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۳۲، ۲۴۷.

**لا هه** LaHay : پایتخت ممالک هلند و مقر حکومت و قوای عمومی دولتی است. در ساحل بحر ایشمال واقع و دارای ۳۶۱ هزار نفر جمعیت است. دیوان داوری بین المللی و مرکز صلح عمومی در این شهر است، ۱۰۰.

**لهاک** : نام برادر پسران ویسه است که در جنگ دوازده رخ گریخت و گستم او را تعاقب نموده بقتل در آورد، ۷۰، ۱۱۰.

**لهراسب** : نام چهارمین پادشاه کیانی که پس از کیخسرو بسلطنت رسید. گوینده مقر سلطنت خود را در باختر قرار داده و آتشکده در آنجا بنا کرد. گشتاسب پسر او چون از پدر ناراضی بود بروم رفته و با دختر قیصر ازدواج کرده پس از مدتی با یراق باز گشت. پدر از دیدار او خشنود گشته تاج سلطنت را بوی تفویض و خود از سلطنت کناره گرفت. مدت جهاننداری او را ۱۲۰ سال نوشته اند، ۱۲۲، ۱۹۱.

**محمود غزنوی** پسر سبکتکین غلام البتکین بوده پدرش در سال ۳۸۴ از طرف نوح بن منصور سامانی با مارت خراسان

منصب گردید. بعد از او مدتی امیر خراسان و پس از چندی دوره اقتدار دولت غزنوی شروع شده و در سال ۳۸۸ در شهر غزنین جلوس کرده و تا سال ۴۲۱ سلطنت کرد و در همان سال بمرد. محمود پادشاهی با استعداد و نظامی قابل بوده و در کمترین مدتی حکمروای بزرگترین قطعات ایران گشته و در هندوستان فتوحات نمایانی کرد بتکده معروف و عظیم سومنات را خراب و ویران ساخته خزائن و ذخائر نفیسی از آنجا نصیب وی گشت. در حمایت مذهب تسنن تعصب بسیار داشته و پیروان سایر مذاهب را تعقیب و مجازات مینمود ۱۶، ۲۱، ۲۱۶، ۲۱۷.

**مقدونیه** : نام شهری بوده در یونان که دارالملک فیلقوس پدر اسکندر بوده است، ۵۸.

**منوچهر** : پادشاه ایران. در نسب اورویات مختلف است، بعضی او را بنده و بعضی بدو ازده و برخی بدو پشت بفریدون میرسانند. پادشاهی بوده است عادل و نیکو کار و آباد کننده. جنگهای زیادی با افراسیاب کرد تا بالاخره کار بمصالحه انجامید و رود جیحون سرحد طرفین شد. مدت سلطنت او را ۱۲۰ سال نوشته اند. ۵۴، ۱۶۲، ۲۱۹.

**منیزه** : نام دختر افراسیاب است که در شکار گاه خود عاشق بیژن دلاور ایرانی گشته او را بیهوش ساخته بکاخ خود برد. پس از چندی افراسیاب مطلع گردیده بیژن را در جاهی محبوس و منیزه را نیز در قید افکند. ولی بعد رستم از ایران آمده آن دو را خلاص نموده با ایران آورد. ۱۹.

**مولتکه** Moltke در ۱۲۹ اکتبر سال ۱۸۰۰ در بارشین متولد گردید. پدرش یکنفر افسر متقاعد پروسی بود و بعد چون در هلشتین علاقه پیدا کرد تحت تابعیت دانمارک درآمد. جنگهای ناپلئونی این خانواده را برایشان ساخت. مولتکه در سن یازده سالگی وارد مدرسه نظام کپنهاک شد. در رنلسبورک بسال ۱۸۱۹ درجه افسری بیافت و در سال ۱۸۲۲ با درجه نایب دومی بفوج گنارد سوار شهر فرانکفورت وارد گردیده سال دیگر بمدرسه جنگ داخل شده

و در سال ۱۸۲۶ با امتیازات مهمی از مدرسه بیرون آمد. در سال ۱۸۳۵ بدرجه سلطانی نائل گردید و همان سال در قشون ترکیه بمدت چهار سال قبول خدمت نموده بسمت افسر معلم بانصوب رهسپارشد پس از مراجعت بآلمان در سال ۱۸۴۲ بدرجه یابوری ارتقا یافته و در سال ۱۸۴۸ سرهنگ شد. بالاخره در سال ۱۸۵۷ زمام ریاست ارکان حرب کل قشون آلمان را بکف گرفت. گرچه در فرماندهی قشون شخصاً تجربه نداشت اما بواسطه حضور در جنگهای ترکیه از عملیات جنگی کاملاً مطلع بود و با آنکه از زمان نیابت خود بیعد وارد جبهه جنگ نشده و شخصاً عهده دار فرماندهی عده در جنگ نبود معیناً بقدر بهترین افسران کار آزموده در فنون جنگی مهارت داشت. در جنگهای ۱۸۷۰ و اردو کشی بدانمارک ریاست ارکان حرب برعهده دار بود. بالاخره در ۲۴ آوریل سال ۱۸۹۱ مرد. (جمعاً ۳۱ سال تمام ریاست ارکان حرب را دارا بود) ۲۲۵، ۲۲، ۱۱

**مهر (مجله)** مجله ادبی، فلسفی، تاریخی ادبی، صور و ماهیانه و بسیار سودمند که بمدیریت آقای مجیدخان موقر در تاریخ خرداد ماه ۱۳۱۲ در طهران تاسیس و مرتباً تا کنون (اسفند ۱۳۱۳) با ظرافت و نفاست قابل ملاحظه طبع و نشر گردیده و در شناساندن عظمت و جگوتگی ایران باستان کمک بزرگی بجای آورده است ۲۱۲

**مهرگان** : دو عید است در پیش یارسیان که یکی رامهرگان عامه گویند که روز شانزدهم مهرماه است و یکی را مهرگان خاصه گویند روز نوزدهم همان ماه باشد. از این عید بزرگتر جشنی نبوده و ایرانیان تاشش روز تعظیم این جشن می نمودند ۵۴

**فرسی** : پسر بهرام شهریار ساسانی است مدت سلطنت او را نه سال گفته اند ۲۰۷

**فریمان** : پسر گرشاسب و پدر سام جد رستم را گویند نسب او بجمشید میرسد گویند

جمشید هنگام فرار از ضحاک درزابستان دختر گورنگ را گرفته و از او اعقابی پدید آمد که نریمان یکی از آنها است و سلسله پهلوانان نامی ایران را تشکیل میدهند ۲۲۸، ۲۲۹

**فستقین** : نام برادر پیران و پسر است که در جنگ دوازده رخ بدست بیژن کشته شد، ۱۰۴ ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۳۱، ۱۳۲

**فوذر** : بعد از منوچهر بتخت سلطنت نشست مردی بی کفایت بود و مردم از او بیزار بودند. در زمان او افراسیاب بایران تاخته او را اسیر کرد و بکشت. مدت سلطنت او ۷ سال بود. طوس و گستم پسران او بند ۲۷۲، ۲۳۱، ۲۹۸

**فوروز** : بمعنی روز نو است و آن دو باشد یکی نوروز عامه و دیگری خاصه.

نوروز عامه روز اول فروردین ماه است که آمدن آفتاب باشد بنقطة اول حمل و رسیدن او بآن نقطه اول اعتدال ربیعی است. گویند جمشید که اول جم نام داشت چون با ذریایحان رسید فرمود تخت مرصعی را در جای باندی رو بجانب مشرق گذاردند و خود تاج مرصعی بر سر نهاده بر آن تخت نشست، همینکه آفتاب طلوع کرد پرتوش بر آن تاج و تحت افتاد، شعاعی در غایت روشنی پدید آمد، مردمان از آن شادمان شدند و گفتند این روز نو است و چون بزبان پهلوی شعاع را شید میگویند این لفظ را بر جم افزوده او را جمشید خواندند و جشن عظیم گرفتند و از آن روز این اسم پیدا شد و نوروز خاصه روزی است که نام آن روز خرداد است و آن ششم فروردین ماه باشد. گویند در آن روز جمشید بر تخت نشست و خاصان را طلبید و رسمهای نیکو گذاشت. در این شش روز پادشاهان حاجات مردم را بر آورده زندانیان را آزاد و مجرمین را عفو فرموده بعیش و شادی مشغول میشدند، ۵۴

**فی (مارشال)** Ney (Maréchal)

(۱۷۶۹-۱۸۱۵)

میشل فی سردار معروف فرانسه. در جنگهای

انقلاب کبیر و امپراطوری فتوحات درخشانی نموده  
مخصوصاً هنگام جنگ ناپلئون با روسیه رشادت و  
شجاعت فوق العاده از خود بروز داد. از طرف  
امپراطور با لقب شجاع شجاعان ملقب گردیده بود.  
پس از خلع ناپلئون در سلطنت لوی ۱۸ به  
نماینده کی مجلس سنا منتخب و هنگام بازگشت  
صد و ده روزه ناپلئون بندویوست و پس از شکست  
واترلو و برجیده شدن بساط امپراطوری از طرف  
مجلس سنا محکوم باعدام و تیر باران گردید ،  
۲۷۷ .

فیروز : نام نریمان است . ۲۲۷ .

فیروز : (بسیستان مراجعه شود) ۲۲۷ .

ویبان : Vauban

(۱۶۳۳-۱۷۰۷)

مهندس نظامی و سردار معروف فرانسه . در  
طفولیت بی سرپرست و پریشان بوده ولی در اثر  
جدیت و لیاقت فوق العاده خود بمراتب عالییه رسیده  
و در جنگهای مختلفه شرکت کرده و همیشه فاتح  
بوده است.

سرحداث فرانسه را در مقابل حملات دشمنان  
خارجی مستحکم ساخته و قلاع و استحکامات علمی  
جدیدی برپا ساخت و از این راه خدمت بزرگی  
بمملکت خود نمود که هنوز هم مورد توجیه عموم  
فرانسویان است.

در اواخر عمر بمناسبت انتشار رساله که در  
آن تساوی مالیاتی را از پادشاه خواسته بود مورد  
بیمهری لوی ۱۴ قرار گرفت، ۲۵۹ .

وردن : Verdun

حاکم نشین ایالت موز در شمال فرانسه . هنگام  
جنگ ۱۸۷۰ بین فرانسه و آلمان نزاع خونینی  
در آن جا بوقوع پیوست و در جنگ ۱۹۱۶ مدت  
۶ ماه مقاومت کرده و در قبال دشمن قهار یا فشاری  
کرد و تمام حملات آلمان را رد نمود ، ۱۰۷ .  
ویسه : نام خانواده پیران فرمانده قوای  
توران بوده است ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۰۹، ۷۸، ۷۹، ۷۸  
۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۱، ۲۴۶، ۱۳۱، ۱۳۰ .

ویلهلم (گیوم ۲) Guillaume II

پادشاه پروس و امپراطور آلمان پسر فردریک  
سوم و امپراطریس و بکتوریا نواده گیوم اول .  
از خانواده هوهنزولرن، بسال ۱۸۵۹ در برلن  
متولد و در سال ۱۸۸۸ تاجگذاری نمود . بعد از  
ختم جنگ بین المملکی بهلاند رهسپار شده و در  
آنجا رحل اقامت افکند و در همان سال (۱۹۱۸)  
از سلطنت آلمان استعفا داد، ۲۴۹ .

هخچیر (هزیر) :

نام یکی از پهلوانان ایرانیست که در جنگ دوازده  
رخ سپهرم مبارز تورانی را بقتل در آورد ، ۵۴  
۶۹، ۶۸ .

هری : نام شهری است از ایالات خراسان

که بهرات مشهور است ، ۵۱، ۵۰ .

هماون : نام کوهیست در پیران که قوای

ایران و توران در آن زد و خورد خونینی نمودند ،  
۱۳۷، ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۵۵ .

هند (هندوستان) : نام مملکتی است در آسیا

که بعد از چین پر جمعیت ترین ممالک دنیا است  
زمین آن پر نعمت و آباد و جریان رود های  
مهم گنگ و سند و هوای مرطوب اقیانوس هند  
خاک آنرا حاصل خیز کرده است . بیشتر خاک  
آن جزء متصرفات انگلیس است مهمترین بنا در

آن بندر بمبئی است . ۲۲۰، ۲۱۲، ۱۲۲، ۵۵ .

۲۷۲، ۲۶۸، ۲۳۰، ۲۲۸، ۲۲۷

هو مان . نام دلاور تورانی برادر پیران

ویسه است که بسیار رشید ولی بی تدبیر بوده  
است در ابتدای جنگ دوازده رخ نسبت بامر برادر  
(پیران فرمانده کل قوا) بی انضباطی نموده بجهنگ  
ایرانیان آمده بدست بیژن کشته شد که باعث  
گردید که قوای توران بر اثر اوضاعیات و تلعفات

فوق العاده را متحمل گردیدند . ۷۰، ۴۰، ۳۷ .

۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶

۹۸، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۸، ۸۷

۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۱، ۹۹

۱۱۲، ۱۲۳، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳

۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸ .

یازده رخ : بجهنگ دوازده رخ مراجعه

شود ، ۱۱۷، ۱۱۱ .

منابع و کتبی که برای گرد آوردن این کتاب و فرهنگ آن

مورد مطالعه قرار گرفته و از آنها استفاده شده است

آئینه آئین مزدیسنی      تألیف حضرت آقای ارباب کیخسرو و شاهرخ نماینده محترم مجلس  
شورای ملی

آشکده آذر

ایران داستانی      تألیف حضرت آقای مشیرالدوله  
برهان قاطع

تاریخ ادبیات      تألیف حضرت آقای دکتر شفق

تاریخ جنگهای بین المللی

تاریخ جنگهای ناپلئون

تاریخ تمدن قدیم      تألیف فوستل دو کولانژ

توپخانه عمومی      « جناب نایب سرهنگ محمود خان بهارمست

جغرافیای عمومی

سالنامه ۱۳۰۷ معارف      «      «      «      «      «      «      «      «  
میرزا علی اصغر خان حکمت وزیر محترم  
کتونی معارف

شیوه کارزار ( تاکتیک )

فروغ مزدیسنی      تألیف حضرت آقای ارباب کیخسرو و شاهرخ

فرهنگ لاروس

قانون محاکمات نظامی

مجله قشون

مجله مهر

نظامنامه آرایش زمین

« انضباطی

« پیاده نظام

« تیر اندازی

« خدمات صحرائی

« داخله

« ساخاوی

یاد داشتهای محتله فرماندهان مروف اروپائی : آرشیدوک شارل - بناپارت - بوژو -

بیسمارک - دراکومیروف - دومستر - ژومینی - فن در گولتز - فردریک کبیر -

مارشال فیش - کارنو - کلاوزوویتس - مولتکه - ویلهلم

## سرود

این سرود که اشعار آن از شاهنامه فردوسی انتخاب گردیده است در دانشکده افسری قشون شاهنشاهی رسمت داده شده و بسیار مباحث است که سایر قسمتها و مؤسسات لشکری و کشوری بر هر چه رود بر نام سرود رسمی آنرا مدیریتند.

### بند اول

پر از مهر شاهست ما را روان	بدین کار داریم شاهها، توان
که جاوید بادا سر تا جدار	خجسته برو گردش روزگار
شهنشاه کشور گشا پهلوی	که بوم کهن یابد ازوی نوی
ز گیتی میناد جز کام خویش	نوشته بر ایوانها نام خویش

### بند دوم

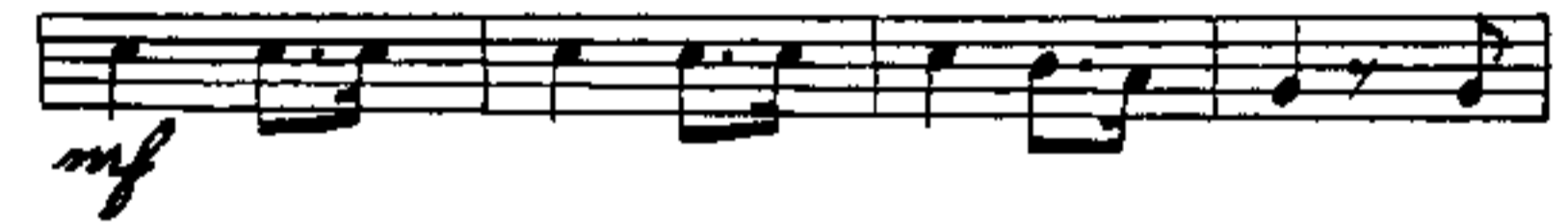
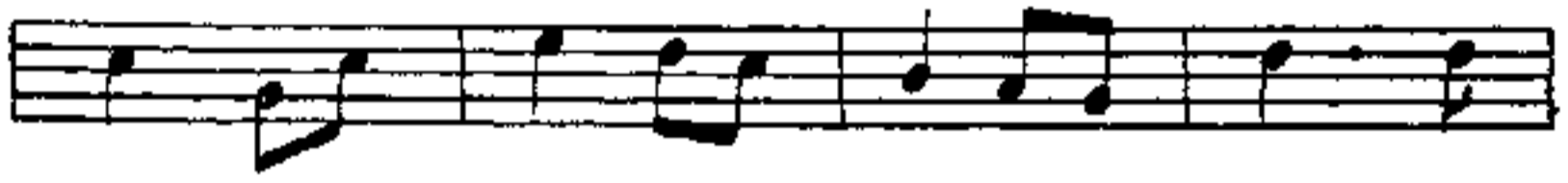
ز بهر برو بوم و فرزند خویش	زن و کودک و خرد و پیوند خویش
همه سر بسر تن بکشتن دهیم	از آن به که کشور بدشمن دهیم
هنر نزد ایرانیانست و بس	ندارند شیر ژبان را بکس
همه یکدلانند و یزدان شناس	بگیتی ندارند از کس هراس

### بند سوم

نه هنگام آرام و آسایش است	نه روز درنگست و آرایش است
دریغ است ایران که ویران شود	کام پلنگان و شیران شود
همه جای جنگی سواران بدی	نشستگاه شهریاران بدی
چو ایران نباشد تن من همبان	بدین بوم و برزنده بگتن همباد

این بیت از پهلوی نامه بوعلی اقباس گردیده است.

Marsch Tempo  $\text{♩} = 120$



این آهنگ توسط نایب ۲ مرشار افسر موزیک قشون شاهنشاهی ساخته شده است .



## توضیح و سپاسگذاری

چون بعضی از تصاویر لازمه جهت این کتاب پیشتر در کتب باجای دیگر چاپ شده بود از مهرهای موجوده آنها استفاده و با گذاردن حروف اول نام کتاب یا مؤسسه آنها در زیر تصاویر، نشانه گذاری گردید .

اینک از صاحبان محترم آنها ( که ذیلاً نگاشته میشود ) سپاسگذاری میگردد :

( ا . ب ) از کتاب تاریخ ایران باستان ، تألیف :

**آقای میرزا حسن خان پیرنیا ( مشیرالدوله ) .**

( پ ) از کتاب **پهلوی نامه** تألیف :

**آقای نوبخت** ( در آینده کتاب مذکور که سراینده محترم زحمات فوق العاده قابل ملاحظه در تدوین آن متحمل گردیده اند دقیقاً مطالعه و از نظر نظامی در باره آن بحث خواهد شد ) .

( خ ) از کتاب **شاهنامه چاپ : مؤسسه محترم خاور** ( برای نگارنده هنگام مطالعه و مقایسه

با سایر نسخ موجوده ، غالب اشعار آن درست تر بنظر رسید ) .

( م ) از محله **شریفه مهر** .

( ک ) از **تجارتخانه محترم کاشانی** .

ضمناً از آقایان دوستان محترمی که در قسمت های مختلفه مشروحه ذیل از ابراز هر گونه کمک و مساعدتهای صمیمانه دریغ ننموده و متحمل زحمات زیادی گردیده اند سپاسگذاری میگردد :

**آقای میرزا عباسخان حمیدی عضو محترم اداری مجلس شورای ملی :**

در قسمت تهیه اخبار و تصحیح چاپ و تهیه فرهنگ آخر کتاب .

**آقای میرزا اسمعیل خان اسعدی عضو محترم اداری مجلس شورای ملی :**

در قسمت تصحیح چاپ و تهیه فرهنگ آخر کتاب .

**آقای میرزا تقی خان حائمی عضو محترم اداری مجلس شورای ملی :**

در قسمت نوشتن خطوط نستعلیق موجوده در اشکال و نقوشات کتاب .

**آقای میرزا حسین خان گونیلی مدیر محترم دفتر دانش سرای عالی :** در قسمت

ترسیم نقوشات موجوده در کتاب .